



تشکیل کمیته حقیقت یاب

گروه خبر: روز گذشته نشست خبری فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت برگزار شد. او در این جلسه نه تنها به سوال‌های همیشگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بلکه به پرسش‌هایی متأثر از اعتراضات سراسری اخیر پاسخ‌های پرطمطراق اما کلیشه‌ای داد.

فاطمه مهاجرانی با اشاره به اینکه دولت همه مدافعان و معترضان را فرزند خود می‌داند، تاکید کرد: «با انباشتی از اعتراضات مدنی مواجه هستیم. دولت چهاردهم قصور خود را می‌پذیرد اما همه این موضوعات، خلق این دولت نبود. دولت تمام تلاش خود را از همان روز نخست به کار گرفت که هرگز شاهد چنین صحنه‌هایی نباشیم، اما اعتراضات مسالمت‌آمیز مردم مورد حمله تروریستی و مصادره قرار گرفت.»

او با تاکید بر اینکه دسترسی آزاد به اطلاعات را حق همه مردم می‌دانیم، افزود: «اما محدودیت‌های اخیر تصمیم تریجیحی دولت نیست ولی همانطوری که وزیر ارتباطات اعلام کرد تصمیم نهادهای امنیتی و ناشی از شرایط امنیتی فعلی است و به طور طبیعی حق مردم می‌دانیم که دسترسی آزاد به اطلاعات داشته باشند و امیدواریم که هر چه زودتر این حق را بتوانیم شاهد باشیم.» مهاجرانی با بیان اینکه کشور ما حادثه تلخی را شاهد بود، گفت: «معترضین و جوانان در پی شنیده شدن، احترام، زیست شرافتمندانه و زندگی در خور بودند. جامعه ما امروز به‌شدت به ابراز همدردی و تسلی نیاز دارد. دولت خود را مکلف می‌داند که بیش از هر چیز از شهروندانی که در این موضوع آسیب‌دیدند و روزهای سختی را تحمل کردند هم ابراز تأسف و هم ابراز همدردی کند. فراموش نمی‌کنیم امنیت پایدار زمانی به‌دست می‌آید که شهروندان در آن احساس آرامش کنند.» سخنگوی دولت با اشاره به اینکه تمام تلاش خود را انجام دادیم و انجام می‌دهیم که صدای آنها را بشنویم، تاکید کرد: «هر چند که تلاش کردند بر این اعتراضات سوار شوند و مصادره کنند و من می‌خواهم بر این واژه مصادره اصرار و تکرار کنم و می‌خواهم بار این کلمه را در مطالب امروز خود پررنگ کنم. آنچه که در روزهای اخیر شاهد بودیم مصادره اعتراضات مدنی ما بود، جامعه‌ای که انباشتی از اعتراضات را داشت. بله محرک این اعتراضات امروز در اقتصاد بود اما ما انباشتی از اعتراضات داشتیم که در مقاطع مختلف در جامعه سرراز می‌کرد و به صورت اعتراض مطرح می‌شد. اعتراض یعنی جامعه زنده است. اعتراض چیز بدی نیست و آن را به رسمیت می‌شناسیم.»

او افزود: «آنچه که در طول روزهای اخیر شاهد آن بودیم قسمتی پرسش، قسمتی نگرانی، قسمتی مطالبه و قسمتی موضوعاتی از جنس بی‌امیدی بود. طبیعی است که باید بگوییم دولت چهاردهم قصور و تقصیر خود را می‌پذیرد اما همه این موضوعات، خلق این دولت نبود. همه کسانی که آسیب دیدند فرزندان ما هستند و به جز اندکی گروهک‌های تروریستی که تکلیف آنها با مردم روشن است و مردم روز گذشته (۲۲ دی‌ماه ۱۴۰۴) چگونه تروریست‌ها را تعیین و تکلیف کردند. تروریست‌هایی که به طور واضح توسط ترامپ و نخست‌وزیر رژیم صهیونی پشتیبانی می‌شوند و اینها بودند که اعتراضات مسالمت‌آمیز مردمان ما را به خاک و خون کشیدند. تلاش برای صیانت از جامعه به‌صورت کامل از جان، حیثیت، احترام، مال و شأن انسانی و اعتبار اجتماعی بر عهده دولت است و دولت حتماً این فرصت را برای ترمیم سرمایه اجتماعی و گفت‌وگو غنیمت می‌داند.» مهاجرانی با اشاره به دستور رئیس‌جمهور برای تشکیل کارگروه ویژه‌ای از جامعه‌شناسان، تاکید کرد: «این کارگروه علل و ریشه‌های خشم را در نسل جوان به‌درستی شناسایی می‌کند و وارد راه‌حل‌های اجتماعی می‌شود که ما از آن غفلت کرده‌ایم و دشمن توانست بر آن سوار شود.»

او افزود: «دسترسی آزاد و امن مردم به اطلاعات و اینترنت برای دولت چهاردهم یک اصل است و آن را محترم می‌شمارد اما محدودیت‌های اخیر تصمیم تریجیحی دولت نیست ولی همانطوری که وزیر ارتباطات اعلام کرده است تصمیم نهادهای امنیتی و ناشی از شرایط امنیتی فعلی است و به‌طور طبیعی حق مردم می‌دانیم که دسترسی آزاد به اطلاعات داشته باشند و امیدواریم که هر چه زودتر این حق را بتوانیم شاهد باشیم، تاکید می‌کنم که ما در روزهای اخیر شاهد اختلال در دسترسی بودیم و قسمتی از این موضوع به جهت رویکردهای امنیتی است.»

سخنگوی دولت تاکید کرد: «دولت صدای مردم را شنید و در راستای آن کمیته حقیقت‌یاب تشکیل شده و این صدا شنیده شده است و در دستور کار دولت قرار گرفته است.»

ارزیابی غلامحسین کرباسچی از شرایط کشور و نقد او بر عملکرد دولت و سیاست‌های حاکم:

نمی‌شود مردم را در تعلیق نگه داشت

هفته گذشته در روزهای ابتدایی اعتراضات بود که خبرگزاری ایرنا گفت‌وگویی با غلامحسین کرباسچی، فعال سیاسی اصلاح طلب و مدیرمسئول روزنامه هم‌میهن داشته‌است که بخشی از آن به ناراضیاتی مردم، برنامه دولت برای حذف ارز ترجیحی و دادن کالابریگ به مردم و آثار آن و بخش کوتاهی نیز با توجه به نزدیکی به سالگرد درگذشت اکبر هاشمی‌رفسنجانی، رئیس‌جمهور دوران سازندگی و مدیریت ایشان اختصاص یافته‌است. آنچه در ادامه می‌آید متن کامل گفت‌وگویی است که پیش از اوج گرفتن اعتراضات و قطع اینترنت و سایر مسائل پسینی آن انجام گرفته و بخشی از آن در انتشار ایرنا حذف شده‌است. کرباسچی در این گفت‌وگو با اشاره به وضعیت پیش‌آمده در حوزه معیشت و اقتصاد مردم می‌گوید:«بر اساس آمار سسی و نه یا چهل درصد مردم زیر خط فقر هستند، وقتی قرار است ماهی یک میلیون تومان به افرادی که زیر خط فقر هستند بدهیم و از آن طرف این افراد مجبور شوند که معاش خود را با قیمت ارز آزاد تامین کنند، این مبلغ یک میلیون تومان چه کمکی به آن‌ها می‌کند؟ مردم دستشان در حساب و کتاب است. با یک شا‌هی صنار که کار اقتصاد و زندگی مردم حل نمی‌شود.» او در بخش دیگر نیز خطاب به رئیس‌جمهور تصریح می‌کند:«آقای رئیس‌جمهور از این مردمی که این قدر از در صحنه بودن شان تعریف کردید اگر نظرخواهی کنید، اغلب آن‌ها می‌دانند که مشکل اقتصادی کشور در سیاست خارجی آن است. پس باید برای سیاست خارجی قدم بردارید و به هر شکلی که شده مسئله سیاست خارجی را با دنیا حل کنید.» بخش اول این گفت‌وگو در ادامه می‌آید:

«در شرایط حساس امروز کشور و با توجه به تهدیدات خارجی که از طرف رئیس‌جمهور آمریکا در مورد تحولات ایران صورت گرفته و شرایط کلی کشور لطفاً درباره لزوم تقویت اتحاد و انسجام ملی» در شرایط امروز و ضرورت کمک به دولت و اهمیت برای برون‌رفت از این وضعیت و حل بحران‌ها بفرمایید:

شما در سخنان‌تان طبق معمول از عبارت شرایط حساس کنونی استفاده کردید: این اصطلاح هم برای مردم حساسیت‌برانگیز شده‌است و هم برای ما که دائم این جمله را تکرار می‌کنید و در همان جملات اول گریزتان به آمریکای جنایتکار و رئیس‌جمهور خائن آن است. ببینید ما نسبت به ظالمانه بودن روابط خارجی و به خصوص آمریکا، روسیه و سایرین تشکیکی نداریم و همه دنیا سابقه آن‌ها را می‌دانند و به نظر من بین آمریکا، روسیه و چین و بقیه کشورها که زور دارند (به اندازه زورشان) تفاوتی وجود ندارد. در فضای مجازی ویدئویی از یک شهروند ونزوئالی ویرال شده‌است که در واکنش به این مسئله که آمریکا به خاطر نفت به کشورش حمله کرده‌است، به خبرنگار خارجی گفت: «خب آمریکا به خاطر نفت حمله کرده، شما فکر می‌کنید روسیه و چین به اینجا آمده‌اند تا دستور غذای محلی را از مقامات ونزوئالی یاد بگیرند؟» بنابراین این آگاهی عمومی که سطح جهان است که ا بر قدرت‌ها در غرب یا شرق به علت منافع خودشان رابطه‌دوستی با جایی برقرار می‌کنند. البته شاید این رفتار چندان قابل مذمت نباشد زیرا مسئولان هر کشوری باید به دنبال «منافع ملی» خودشان باشند و اگر کسی «منافع ملی» خود را در نظر نمی‌گیرد و به دنبال اوهام و شعارهای توخالی برود، قابل نقد است. مسئولین باید این شرایط دشوار را پیش‌بینی کرده و اصلاً اجازه ندهند که چنین وضعیتی بوجود آید. به هر حال اگر کسی واقعیت‌ها را نبینند و به تعبیر مذهبی، اراده خدا یا نظم آفرینش و قوانین این جهان را که در زندگی مادی و بشری و همه کائنات جریان دارد، نادیده بگیرد بروز برخی مسائل اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. ایمان به اراده خدا یعنی ما همه اینها را بپذیریم. وقتی شما در کشوری زندگی می‌کنید که بر اساس آمار سازمان برنامه و بودجه از دو الی سه دهه گذشته استان ایلام(اصلاً به قبل انقلاب کاری نداریم) رکورد بالاترین سطح بیکاری کشور را دارد و به تبع آن آمار خودکشی نیز در آنجا بسیار بالا است. به عبارتی وضع اقتصادی و بیکاری این گونه‌است. یک وقت نسلی که سال‌های سال منتظر پایان جنگ و آغاز سازندگی بود، وقتی شاهد این حد از بیکاری و تبعات مادی و روانی آن در کشور است، بالاخره مشکلاتش جایی سر باز می‌کند.

زمانی که در اصفهان استاندارد بودم یکی از رزمندگان بسیار فعال و تلاشگر اطلاعات لشکر امام حسین(ع) در عملیات کربلای چهار یا پنج دچار سوختگی هشتاد درصد شد. خدا شهید خرازی را رحمت کند بسیار نگران سلامتی و حفظ جان افراد بود. بسیاری از پزشکان از نجات وی قطع امید کردند و شهید خرازی یا فرد دیگری با من تماس گرفتند تا به وضعیت آن رزمنده رسیدگی شود، خدا آن‌شاله آقای مهندس موسوی را نجات دهد، من به ایشان رنگ زدم و مهندس موسوی که نخست‌وزیر بود یادم نیست هوایم‌ای شخصی یا با لوفتانزا این رزمنده را به آلمان فرستادیم و خوشبختانه نجات پیدا کرد و به کشور بازگشت. حالا نیز گاهی صرفاً به علت تعلق خاطر همان دوران نه اینکه رابطه فکری بین‌مان باشد با وی در ارتباط هستیم و با خودم فکر می‌کنم این فرد که تا سطح شهادت پیش رفته بود، چرا اینقدر زاویه پیدا کرده‌است؟ من نگاه می‌کنم حالا به خودش کاری بدهند یا ندهند یک طرف، بچه‌اش می‌آید و می‌خواهد برای او هم کاری باشد. بعضی از این افراد حتی دیگر از مرحله بیکاری فرزندان‌شان گذشته‌اند و از بیکاری نوه‌های خود شکایت دارند! من خودم وقتی به اول انقلاب فکر می‌کنم، می‌گفتم وضعیت بهتر می‌شود و بچه‌هایمان به مدرسه رفتند و الان نوه‌هایان به دانشگاه رفته و می‌بینیم او هم بیکار است. در ملک‌شاهی جوانان بعد از این همه بحران و محرومیت و بعد از جنگ چند سال باید منتظر باشند تا اوضاع درست شود؟ البته نمی‌خواهم بگویم مسئولین به مشکلات مردم فکر نمی‌کنند اما این فکر‌ها به نتیجه نرسیده‌است. وقتی جمعیت قریب به سی میلیون‌ی اوایل انقلاب به نود میلیون رسیده‌است یعنی مسئولین باید برای چهل الی پنجاه میلیون نفر اشتغال‌زایی کنند، مسکن و زندگی درست کنند اما مدام به مردم گفته می‌شود صبر کنید، آن‌ها می‌خواهند بدانند این مؤلفه

«امید» که اینقدر درباره آن صحبت می‌شود کی محقق می‌شود؟ بدترین عذاب انسان که در قرآن کریم نیز به صراحت به آن اشاره شده‌است «ناامیدی» است. روز قیامت به آنها که به جهنم می‌روند گفته می‌شود: «خالدین فیها ابد!» داتنه در کتاب معروفش «کمدی الهی» به این مسئله اشاره کرده و نوشته‌است: «بر سر دوزخ نوشته شده هرکسی به این جا وارد شد دیگر از آن خارج نمی‌شود.»

آقای پزشک‌یان بارها گفته‌است که قرار است افراد کارشناس بیایند و همه کارشناسان بر این باورند که برای دستیابی به رشد و پویایی اقتصادی باید روابط کشور با دنیا تنظیم شود و سرمایه‌گذاری انجام شود. بدون سرمایه‌گذاری شغل ایجاد نمی‌شود و بدون ارتباط با سایر کشورها، سرمایه‌گذاری نمی‌شود. تا زمانی که از جو شعار و هیجان بیرون نیاییم اتفاقی در کشور نمی‌افتد و شاهد حوادثی مانند وقایع ملک‌شاهی خواهیم بود. حتماً آقای پزشک‌یان و مسئولین از آن‌ها دلجویی خواهند کرد اما این کافی نیست و باید فکری شود تا مثلاً پنج سال دیگر در گوشه دیگری از کشور اتفاقی مشابه نیفتد.

بالاخره وقتی آن منطقه با نرخ بیکاری بالایی مواجه‌است و غفلت اتفاق می‌افتد به ناچار این حوادث رخ می‌دهند. بر اساس آموزه‌های دینی و قوانین آفرینش، در پی غفلت و عدم توجه همه‌جانبه به مسائل مردم، در نهایت جایی شاهد ضربه پروردگار خواهیم بود و این ضربه الهی در قالب اعتراضات مردم، حوادث طبیعی و...

در عالم جلوه می‌کند.

همه ما می‌دانیم که بیکاری، عدم توانایی اقتصادی برای اداره زندگی شخصی انسان‌ها را عاصی می‌کند. چقدر باید از مردم خواست که صبر کنند تا این رئیس‌جمهور و آن رئیس‌جمهور بیاید و اوضاع درست شود؟ آقای پزشک‌یان با این همه نهج‌البالغه و قرآن خواندن و تزریق امید به مردم وارد صحنه شد و حالا می‌گوید هر کسی که می‌تواند بیاید کار کند. خب آقا شما قرار بود بیایید کار کنید، شما قرار بود کارشناسان را جمع کنید؛ فکر می‌کنم در تمام این مدت ما در شرایط «حساس» کنونی هستیم و تقصیر خودمان هم هست. کشور را نخبگان باید اداره کنند اما آیا در حال حاضر کشور به دست نخبگان اداره می‌شود؟ آیا از پخمگان استفاده می‌کنیم یا نخبگان؟ در بخش‌های مختلف چقدر نخبه وجود دارد، به عنوان مثال در وزارت خارجه نیروهای زبده و کارکنسته بسیاری داریم که در همین چهل سال کارکنسته شدند اما یک روز آقای طریف به علت تابعیت فرزندش از میدان به در می‌شود، روز دیگر آقای محسن امین‌زاده در سال ۸۸ به گفته آنها «فتنه» بود یا آیا آقای جابری باید به خبرگزاری برود؟ من آن روز گفتم ایشان ۴۰، ۴۰ سال سابقه وزارت خارجه دارد. از همه بهتر روابط کشورهای عربی را می‌شناسد چرا باید به خبرگزاری بیاید. یعنی ما واقعاً با انتخاب افراد و گزینش نخبگان برای اداره کشور فلج شده‌ایم چون توهم نفوذی بودن افراد را داریم اما نفوذی از کجا سر در می‌آورد؟ از درون همان جایی که قرار بوده با نفوذی‌ها بر خورد شود! و این اتفاق طبیعی است زیرا نفوذی با شعارهای به قول برخی افراد غرب‌گرایی وارد صحنه نمی‌شود بلکه با خالص‌ترین شعارهای حزب‌اللهی جلو می‌آید. از اول انقلاب هم از همین ناحیه ضربه خوردیم، چه کسی دفتر حزب جمهوری اسلامی و نخست‌وزیری را منفجر کرد؟ همه ما این وقایع را از حفظ هستیم اما باز هم در حال تکرار همان روش هستیم. بنابراین اداره کشور باید از سوی افراد کارشناس نخبه انجام شود. اما وقتی از افراد دیگری استفاده می‌شود و از طرف دیگری دچار اوهام هستید در نهایت شاهد عصبان در جامعه خواهیم بود. زمانی در زمینه درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی از همه کشورهای همسایه جلوتر بودیم اما حالا به وضعیتی دچار شده‌ایم که من معذرت می‌خواهم کشور پور شده‌است و فقط رویه‌ای از افراد به خیال خودشان مهم در سطح بالا قرار می‌گیرند و نخبگان مهاجرت می‌کنند. حالا شاید شما هم نخواهید منتشر کنید اما من هم خیلی وقت‌ها صحبت نمی‌کنم. به همین دلیل که می‌بینیم فایده‌ای ندارد.

«پیشنهاد مشخص شما برای برون‌رفت از این وضعیت چیست؟ رئیس‌جمهور معتقد است باید برای اداره کشور از متخصصان و نیروهای توانمند استفاده شود البته موانعی بر سر راه است اما آقای پزشک‌یان نگاه خود را به گزینش افراد در این دولت اعمال کرده‌اند و تحولاتی نیز در نظام گزینش کشور اتفاق افتاده‌است تا از ظرفیت همه کارشناسان و افراد توانمند در اداره کشور استفاده شود.

آقای رئیس‌جمهور فرد خالصی است و بسیار به ایشان علاقمند هستم، اما متأسفانه همانطور که خودش هم گفته‌است نمی‌تواند با این مجموعه‌ای که شکل گرفته‌است و تسلطی که حالا یکی از آن گزینش است، صورت گرفته، برخورد کند. ایشان فرد نجیبی است و از وقایع سخن می‌گوید اما باید مسائل را مدیریت کند. چه تغییری در گزینش ایجاد شده؟ چرا از آقای طریف استفاده نکرد؟ من با آقای طریف تاکنون صحبتی نداشتم شاید در مراسم‌روضه‌ای ۱۰ دقیقه در کنار ایشان بودم اما بالاخره ایشان از نظر بین‌المللی چه‌رای می‌توانمند است. دیپلماسی ما با رجز خوانی درست نمی‌شود. «دیپلماسی یعنی سیاست» اما رجز خوانی مربوط به عرصه «میدان» و برادران نظامی است. شما در دیپلماسی برای اینکه عقب نیفتی و فکر نکنند ترسیدی می‌آیی و رجز خوانی می‌کنی. سعدی در گلستان می‌گوید: «دانی که چه گفت زال با رستم گرد؟/ دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرده». ما یک ابرقدرت‌هایی در جهان داریم. آمریکا با همه جنایتکاری و ظلمی که دارد به هر حال از لحاظ اقتصادی، تکنولوژی، نفوذ و آتوریته‌ای که در جهان پیدا کرده، «ابرقدرت» است اما در مقام مقابله با آمریکا آیا باید بگوییم «پدرش را در می‌آوریم»، «کاخ سفید را حسینیه می‌کنیم» یا «اصلاً نابود شده‌است»؟ تأمل در ضرب‌المثل‌ها مهم است. در داستان معروف «فیل و گنجشک» فیل برای خاراندن بدنش به درخت تنه می‌زد و در اثر این تنه زدن خانه گنجشکی که بالای درخت بود در حال خراب شدن بود اما چون توان زورآزمایی با فیل را نداشت به نزد پشه رفت و گفت درست است زمانی با تو جنگ داشتیم اما الان به تو احتیاج داریم، بیا و فیل را نیش بزن و پشه هم چشم فیل را نیش زد. به تدریج چشم فیل خارش گرفت. سپس گنجشگ به مگس گفت روی زخم چشم فیل بنشیند و این زخم عفونی شد و چشم فیل کور شد. سپس به قورباغه گفت در قسمت گود برکه غور کنن تا هنگامی که فیل می‌خواهد آب بخورد به آن قسمت برود و در گودی بیفتد و از بین برود. به این ترتیب یک گنجشک با سیاست توانست فیل را شکست دهد. البته اینها ضرب‌المثل است اما باید در عرصه دیپلماسی مغز ما به اندازه یک گنجشک کار کند. ما وزیر امور خارجه شده‌ایم که راه‌های ارتباط با دنیا و غلبه بر دشمنان را از راه دیپلماسی نه از راه شعار و سخنرانی و رفتن به استان‌ها انجام دهیم؟ خب با این وضعیت صدای مردم درمی‌آید. نظامیان ما باید در عرصه میدان و هر جای دیگری که هستند رجز بخوانند و بگویند ما پدر در می‌آوریم اما در دیپلماسی که این حرف‌ها نیست؛ بلکه باید راه نفوذ و تسلط بر طرف مقابل را پیدا کرد. نمی‌شود که همه‌اش گفت می‌گشیم و پدرش را در می‌آوریم. در زمان امام (ره) خبر آمد که برخی نیرو‌ها می‌خواهند بروند با اسرائیل بجنگند و امام خطاب به آنها گفت جنگ با اسرائیل یعنی جنگ با همه دنیا و شما نمی‌توانید از پس این کار برآیید این یعنی جنگ با همه دنیا. شما بروید و همین جنگ - دفاع مقدس - را پیش ببرید. من نمی‌خواهم

اشکال به سیاست‌های کلان یا مسئولان رده اول کشور بگیرم. ما به عنوان کارمند و کسانی که می‌خواهیم آن خط‌مشی‌های کلی و آن رهنمودهای کلی را بگیریم، باید توجه کنیم راه اجرای آن رهنمودها این نیست که ما هم مانند برادران نظامی‌مان برویم آن گونه شعار بدهیم. این یک بخش است و در بخش‌های دیگر هم همین است.

آقای پزشک‌یان متأسفانه خودش هم دارد به این بلا دچار می‌شود. او مسئول اداره کشور است و باید راه‌حل مشکلات کشور را با همراهی کارشناسان پیدا کند. بر این مینا چند بار به ایشان گفتم شما قول‌هایی به مردم داده‌اید و تا کی آن‌ها باید صبر کنند؟ یک سال و نیم گذشت. آن خانم سخنگو گفت باید صبر کنید. یک سال و نیم گذشت برای رفع فیلترینگ چقدر دیگر صبر کنیم؟ آقای پزشک‌یان به وزیر بگو کلید فیلترینگ را بالا بزن، چکار می‌کنند؟ می‌گیرند؟ اعدامت می‌کنند؟ شما مدیر کشور هستید و حالا شورایای درست شده، آن‌ها هم باید درست کنید. موضوعات ساده‌ای است. به هر حال من به آقای پزشک‌یان علاقمند هستم ایشان انسان صادقی است و زحمت هم می‌کشد. شما می‌گویید راه‌حل. من می‌گویم باید تحرک داشته باشند، احساس مسئولیت بیشتری کنند، ریسک کنند. مدیریت نیاز به ریسک دارد. بنشینید و حرف بزنید و به دل قضیه بروید. اتفاقی نمی‌افتد. بخش زیادی از وضعیت فعلی ما ناشی از آن است که وقتی ما پشت میز می‌نشینیم افراد محافظه‌کاری می‌شویم و این محافظه‌کاری مسئولین را از اداره درست کشور باز می‌دارد. وقتی به چهره‌هایی که آقای پزشک‌یان انتخاب کرده‌است، نگاه می‌کنم می‌بینم چقدر نیروهای لایق‌تر و شایسته‌تری وجود داشتند؛ یا خودش آنها را روی کار نیاورده یا نگذاشتند. در اینجا ایراد به مجلس نیز وارد است زیرا می‌خواهند هر روز پرونده به میان بیاورند و بترسانند. ما در همه زمینه‌ها افراد متخصص و نابغه داریم که هیچکدام را استفاده نمی‌کنند. چرا باید

در زمینه اقتصاد اینقدر فلج باشیم؟ این همه اقتصاددان داریم که در سطح بین‌المللی ارزشگذاری می‌شوند، چرا از نخبه‌ها استفاده نمی‌کنیم؟ می‌گویند از هشتاد کارشناس در عرصه آب استفاده می‌کنیم؛ خب دست‌شمارد نکنند. در سیاست خارجی هم این کار را کردید؟ ما افراد کارکنشته‌ای در کشور داریم و بارها مثلاً در عرصه دیپلماسی با آمریکای جهانخوار درگیر شده‌اند و توانسته‌اند موفق شوند اما آن‌ها را کنار گذاشته‌ایم. بعد هم اگر کسی انتقاد کند حتی تحمل انتقاد را هم نداریم و اگر کسی حرفی بزند باید محاکمه شود و به زندان برود مثل آقای تاج‌زاده و... وقتی این وضعیت است، غفلت می‌کنیم و فکر می‌کنیم خودمان از همه بالاتر هستیم. غفلت هم که کردیم یک‌دفعه می‌بینیم آنجایی که کارشناسان از بیست سال گذشته گفته‌اند که آمار بیکاری بالا است و این مسئله خطرناک است، بحران به وجود می‌آید و افراد بی‌گناه کشته می‌شوند. حرف من این است که آقای رئیس‌جمهور در شرایط کنونی و در دو سال نیم باقی مانده باید به قول‌هایی که به مردم داده‌اند، عمل کنند.

مردم چیزی بیشتر از این نمی‌خواهند.

«پس از تجربه جنگ ۱۲ روزه به همه ثابت شد که ظرفیت‌های بالای این کشور واقعاً مردم هستند؛ وقتی پای کشورشان ایستادگی می‌کنند، دشمن مجبور به عقب‌نشینی و طرح آتش‌بس می‌شود و به هدف خود در زمینه کساندند مردم به خیابان‌ها نمی‌رسد. در آن دوران اتحاد و انسجامی ایجاد شد که سرمایه اجتماعی دوباره خود را احیا کرد و دشمن ناکام شد اما پس از آن شاهد بودیم آن‌طور که بایسته است به این سرمایه اجتماعی توجه نشد. بنابراین امروز سوال این است که این سرمایه اجتماعی را چگونه باید پای کار بیاوریم؟ در این زمینه آقایان ولایتی، لاریجانی، ضرغامی و... مسائلی با محوریت «تغییر نگاه» در مدیریت کشور و تغییر حکمرانی را مطرح کردند. ارزیابی شما چیست؟

الان سطح فکر و اطلاعات مردم در دورترین نقاط کشور اگر بیشتر از ما و مسئولان نباشد کمتر از آن‌ها نیست. یک وقت‌هایی مردم تصور می‌کنند ما داریم آنها را بازی می‌دهیم. مثلاً شعار ملی‌گرایی می‌دهیم و در بوق و کرنا می‌کنیم اما دوباره به شرایط قبل برمی‌گردیم. آقای رئیس‌جمهور از این مردمی که این قدر از در صحنه بودنشان تعریف کردید اگر نظرخواهی کنید، اغلب آن‌ها می‌دانند که مشکل اقتصادی کشور در سیاست خارجی آن است. پس باید برای سیاست خارجی قدم بردارید و به هر شکلی که شده مسئله سیاست خارجی را با دنیا حل کنید. از وقتی شما آمده‌اید مسئله سیاست خارجی ما بدتر شده‌است در حالی که قرار بود آن را بهتر کنید. شما می‌گویید ما می‌خواهیم حرف مردم را بشنویم، نظر مردم را گوش کنیم. مردم بارها در انتخابات گوناگون، تشییع شهید قاسم سلیمانی و همین جنگ ۱۲ روزه به صحنه آمده‌اند که بگویند به ایران علاقمند هستند. اما بیا نظرات آنها توجه‌شد؟ آیا آنها نتیجه‌ای گرفتند؟ الان اصلی‌ترین معضل ما معضل اقتصادی است و همه اذعان دارند که بخشی از آن به مسائل مدیریتی باز می‌گردد اما ریشه این معضل ورود و امنیت سرمایه‌گذاری و اصلاً امنیت سرمایه‌گذاری داخلی است. خود رهبری فرمودند «تعلیق» یعنی شرایط نه جنگ و نه صلح از همه چیز بدتر است. آقای مسئول سیاست خارجی این را باید حل کنی. این جنگ دوازده‌روزه به بعد که تعلیق فاحشی است اما این تعلیق که برای شش ماه اخیر نیست،